بسم الله الرحمن الرحیم

**نقش مسجد در ترویج فضایل اخلاقی و ترویج سبک زندگی اسلامی**

**فیش منبر**

**ایجاد انگیزه[[1]](#footnote-1)**

آنگاه که پیامبر اسلام (ص) به سوی مدینه هجرت کردند، به همراه اصحابش، در ماه ربیع الاول وارد روستای «قبا» شدند. هنوز مدت زیادی از حضور حضرت نگذشته بود که دستور مهمی را ابلاغ کرده و ساختن بنایی را آغاز نمودند. آن حضرت با دستان خود اولین سنگ را بنا کردند تا به مردم بفهماند که این بنا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. سپس نامش را «مسجد و خانه خدا» نهادند؛ زیرا در آن محل مبارک و مقدس عبادت خدا انجام می‌شود.

اما هدف رسول خدا (ص) از بنای این مکان مقدس، تنها سجده و عبادت نبود؛ بلکه ترویج سبک زندگی اسلامی و رشد فضایل اخلاقی در تمام ابعاد بود. این تدبیر رسول خدا (ص) بسیار حساب‌شده و از روی

تفکر بود. پیامبر (ص) آنجا را محلی برای حل مشکلات اجتماعی و فرهنگی قرار دادند تا با محوریت مسجد، فضایل اخلاقی رشد پیدا کرده و جامعه از هرگونه بداخلاقی و بدرفتاری مبرا شود.

اصحاب و یاران پیامبر (ص) هم این واقعیت را از نزدیک لمس کرده بودند و هم اینکه در سخنان پیامبر (ص) بارها اهمیت این مکان مقدس و نقش تربیتی آن را شنیده بودند.

نقل شده: پس از آنکه در سال 16 هجری، کشور ایران، تحت پرچم اسلام قرار گرفت و به دست مسلمانان، از زیر یوغ شاهان ستمگر ساسانی آزاد شد، سلمان فارسی، پس از حدود 16 سال هجرت انقلابی، به وطن بازگشت و به‌عنوان استاندار مدائن (پایتخت سابق شاهان ساسانی) به اداره امور پرداخت.

پس از فتح اصفهان، سلمان محمدی (ره) به زادگاهش، روستای «جی» - یا - «جیان» رفت و مدتی در آنجا ماند و امور مذهبی و اجتماعی همشهریان خود را از نزدیک بررسی کرد، او متوجه شد که اقوامش به مشکلات معنوی و فرهنگی و دینی دچار هستند. از این‌رو با همت والای خود، برای رفع مشکلات فرهنگی و معنوی و دینی و سامان یافتن امور مذهبی همشهریانش در همان‌جا ماندگار شد. او برای رفع مشکلات همشهریانش برنامه‌های متعددی را در پیش گرفت. سلمان دریافت که اگر بخواهد تحول معنوی و اخلاقی در هم روستایی‌هایش ایجاد کند، باید در این روستا «مسجدی» بنا کند. از این‌رو با کمک همشهریان خود، مسجدی را تأسیس نمود و مردم را به نماز جماعت و اجتماع در مسجد فراخواند و پس از سر و سامان دادن اوضاع روستای خود، به مدائن بازگشت.[[2]](#footnote-2)

متن و محتوا

مساجد در صدر اسلام کارکردهایی مختلفی از جمله: کارکردهای آموزشی، فرهنگی، تبلیغی، اجتماعی، سیاسی، جهادی، رسانه‌ای، روحی و روانی داشته است؛ اما امروز این کارکردها تنها در بخش کوچکی از مساجد اجرا می‌شود.

برای رسیدن به اهداف رسول خدا (ص) از بنای مساجد باید نقش شکل‌گیری مساجد و ظرفیت‌های آن را بشناسیم و با برنامه‌ریزی مناسب به سمت و سوی آن اهداف حرکت کنیم.

یکی از مهمترین اهداف و ظرفیت‌های مساجد، رشد و ترویج فضایل اخلاقی است. مساجد می‌توانند با ارائه الگوی صحیحی از سبک زندگی اسلامی، این فضایل را رشد دهند. اگر این رشد حاصل گردد، سبک زندگی افراد تغییر یافته و به سوی سبک زندگی دینی و اسلامی حرکت می‌کنند؛ اما افرادی که رشد اهلاقی نداشته باشند، سبک زندگی آنان غیر دینی است.

اولین چیزی که از لفظ «مسجد» به ذهن خطور می‌کند، این است که مسجد مکان بندگی و محل سجده برای خداست. چرا که سجده اوج بندگی و بهترین حالت بنده است. «وَ اَنَّ المَساجِدَ لِلّهِ فَلا تَدعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدا[[3]](#footnote-3)؛ مساجد جايگاه خدا و براي خداست، پس با خدا كسي را نخوانيد.»

اما کارکرد مهم و اثرگذار دیگر مسجد که همان ترویج فضائل اخلاقی باشد؛ حاصل نمی‌گردد مگر با همکاری همه مسجدیان. حال این سؤال مطرح می‌شود، نقش مسجد در ترویج فضایل اخلاقی چیست؟

اهل مسجد چگونه و از چه طریقی می‌توانند زمینه ترویج فضائل اخلاقی در خود و دیگران را فراهم نمایند؟

**نقش‌های مسجد در ترویج فضائل اخلاقی**

یکی از نقش‌های اساسی مسجد آن است که زمینه را برای عبادت پر حضور و خالصانه فراهم نماید؛ تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز و ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال به معنای واقعی کلمه انس بگیرند. پس هر اندازه مسجد در ایفای این نقش حیاتی موفقتر و کار آمدتر باشد، به مسجدی که قرآن و سنت آن را ترسیم نموده، یعنی همان مسجد نمونه نزدیکتر است.

بدون شک، انس با خدا و دوری از غفلت باعث می‌شود، فضایل اخلاقی در انسان رشد نماید و به‌جایی برسد که فرشتگان هم به آن مقام نمی‌رسند.

مسجد می‌تواند در جهت ترویج فضائل اخلاقی نقش‌های متعددی را ایفا کند؛ اما برخی از آن‌ها عبارتند از:

**الف) شناخت و بصیرت اخلاقی**

بر اساس آموزه‌های دینی، مسجد محلی برای افزایش شناخت و بصیرت اخلاقی انسان است.

امام علی (ع) برخی از فضائل رفت و آمد در مسجد را «حیاء و عفت» و «پرهیز از گناه و رذایل اخلاقی» می‌داند و از آثار دیگر آن اشاره به «شنیدن سخنان و موعظه‌های نیک» می‌کند.[[4]](#footnote-4)

در مسجد، تنها ارزش‌های حقیقی همچون تقوا و جهاد مطرح است. بر پایه فقه اسلامی شایسته است آنانکه از فضیلت‌هایی همچون علم، تقوا، ایثار و جهاد برخوردارند، در صف اول نماز جماعت بایستند. این امر خود نوعی ارزش‌گذاری و ترویج ارزش‌های اصیل است. در مسجد پیامبر (ص) گاه کسانی یافت می‌شدند که نه تنها از جهاد و ایثار بویی نبرده بودند؛ بلکه از راه‌های گوناگون، نفاق و دو دستگی را در جامعه ترویج می‌نمودند و عملاً با پیامبر (ص) به رویارویی می‌پرداختند. آنان با این حال انتظار داشتند در مسجد جایگاهی والا داشته باشند.

مسلمانان این‌گونه افراد را از مسجد طرد می‌کردند؛ زیرا آنان با الهام از رهنمودهای پیامبر (ص) جاهای حساس مسجد را برای مسلمانان مؤمن، متعهد و ایثارگر می‌دانستند.

عبدالله بن ابی که از سران منافقان بود، در جنگ احد در نیمه راه از کارزار روی گرداند. جمعی نیز به پیروی از او پیامبر (ص) را رها کرده، به مدینه بازگشتند. عبدالله با این حال در اولین نماز جمعه‌ای که پس از جنگ احد بر پا شد، در جایگاه مخصوص خود حضور یافت و شعارهایی دروغین مبنی بر حمایت از پیامبر (ص) سر داد. مسلمانان در حضور پیامبر (ص) او را از مسجد بیرون راندند و به او گفتند: تو لایق چنین جایگاهی نیستی.[[5]](#footnote-5)

آری مسجد، خانه دفاع از ارزش‌ها و مسجدیان، نگهبان ارزش‌های اسلامی هستند.

در مسجد می‌توان با برگزاری دعاهای مختلف از جمله دعای ندبه، دعای کمیل، مراسمات مذهبی و سخنرانی، احساس خود را تحت تأثیر قرار داده و فضایل اخلاقی را تقویت نمود. این دعاها به‌تنهایی می‌توانند انسان را رشد داده و سبک زندگی افراد را تحت تأثیر خود قرار دهند.

**ب) تشویق و انگیزه‌سازی اخلاقی**

مسجد سبب تشویق و انگیزه‌سازی اخلاقی می‌شود. با آنکه گناه در همه‌جا نکوهید و زشت است، اما در مسجد که خانه خداوند است، زشتی آن بیشتر می‌شود؛[[6]](#footnote-6) پس مؤمن باید تلاش و کوشش بیشتری کند تا در آن مکان مقدس به گناه آلوده نشود؛ سخنان ظالمانه بر زبان نیاورد؛[[7]](#footnote-7) معمولاً مسجدی‌ها به آبروی دیگران تجاوز نمی‌کنند؛ غیبت و سخنان لغو و بی‌فایده را کنار می‌نهند و از گفت‌وگوهایی که بوی دنیاپرستی و دنیا خواهی را می‌دهد، پرهیز می‌کنند و این به خاطر انگیزه و تأثیری است که این فضای معنوی بر آن‌ها می‌گذارد و رعایتی که آنان نسبت به این مکان مقدس و معنوی در پیش می‌گیرند.

این نقش تربیتی آنگاه مؤثرتر خواهد بود که مؤمن به یاد آورد که هنگام حضور در مسجد باید علاوه بر زینت‌های مادی، زینت‌های معنوی خویش همچون صدق و صفا و خلوص را نیز با خود برگیرد و فرمان: «يا بَني‏ آدَمَ خُذُوا زينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»[[8]](#footnote-8) را با عمل پاسخ گوید، وگرنه پروردگار، او را به خانه خود راه نمی‌دهد؛ و اولیای بزرگ خدا نیز دست رد به سینه‌اش خواهند زد.

خداوند متعال بر حضرت عيسى (ع) وحى فرستاد كه به بنی‌اسرائیل بگو: «داخل خانه‏اى از خانه‏هاى من نشويد مگر با چشم‌های خاشع و قلب‌های پاك و دست‌های بى‏گناه و به آنان خبر بده كه من دعاى احدى از آنان را مستجاب نخواهم كرد، در حالى كه حق يكى از مخلوقات من بر عهده اوست.»[[9]](#footnote-9)

همچنین مسجد با ایجاد الگوی شایسته، سبب تشویق و انگیزه‌سازی در رشد فضایل اخلاقی می‌شود.

همراهی و همجواری با الگوها، عامل تحرّک به سمت فضایل اخلاقی هستند. مؤمنینی که در مسجد هستند الگوی برای ما هستند. یکی دیگر از الگوها شهدای هستند که روزی در همین مسجد بودند. بسیاری از شهدای انقلاب، جوانان برومند این سرزمین بودند و 95 درصد شهدای انقلاب، مسجدی بوده‌اند.[[10]](#footnote-10)

مطالعه و شرح‌حال زندگی این الگوها سبب انگیزه‌سازی و تشویق در کسب فضایل اخلاقی و ترک رذایل اخلاقی هستند.

تاریخ حاکی از آن است که افراد زیادی از گناهکاران در مساجد متحول شده و به دامن پر مهر مؤمنین و اهل مسجد برگشته‌اند.

شخصی اهل مسجد و نماز بود، نماز جماعتش ترک نمی‌شد، به قدری مقید بود که زودتر از دیگران به مسجد می‌آمد و در صف اول جماعت قرار می‌گرفت و آخرین نفری بود که از مسجد بیرون می‌رفت، روشن است که چنین انسانی، باید فردی خداترس و متدین و متعهد باشد، یکی از روزها کمی دیر به مسجد رسید، در صف اول نماز جماعت جا نبود و مجبور شد در صف آخر قرار بگیرد، ولی پیش خود خجالت می‌کشید و آثار شرمندگی از چهره‌اش پدیدار شد، با خود می‌گفت: چرا در صف آخر قرار گرفتم ...!

ناگهان به خود آمد که چه فکر باطلی است که بر من چیره شده است؟ اگر خلوص نیت باشد که روح عبادت است، صف اول و آخر ندارد، به خود گفت: عجب! معلوم می‌شود، سی سال نماز تو آلوده به ریا بوده، وگرنه نمی‌بایست صف آخر، شائبه‌ای در دل تو ایجاد کند.

این فکر نوری در قلبش به وجود آورد، که باید چاره‌جوئی کرد و تا دیر نشده، غول ریا را از دلش بیرون نمود، به سوی خدا پناه برد، و از شیطان به پناه الهی رفت، با صبر و حوصله، توبه حقیقی کرد و خود را اصلاح کرد، و تصمیم گرفت که تمام نمازهای سی ساله‌اش را قضا کند، زیرا دریافت که در صف اول بوده، و در آن‌ها شائبه ریا وجود داشته، آری از خواب غفلت بیدار گشت و با همتی قوی روح و روان خود را با آب توبه حقیقی شستشو داد و نمازهای سی ساله‌اش را قضا کرد.[[11]](#footnote-11)

یکی از بازاریان که اهل حضور دائم در مسجد و سخنرانی‌های عالمان دینی بودند، در خاطره‌ای نقل می‌کرد که یک شب آیت الله شاه آبادی (ره) در یکی از سخنرانی‌هایشان، با ناراحتی اظهار داشتند: چرا افرادی که اهل آن مسجد و در اطراف ایشان هستند، حرکتی از خود در جنبه‌های معنوی نشان نمی‌دهند؟

سپس از روی ناراحتی و با حالتی گله‌مند می‌گویند: «آخر، مگر شماها نمی‌خواهید آدم شوید؟ اگر نمی‌خواهید تغییری در خودتان ایجاد کنید، من این قدر به زحمت نیفتم.»

این فرد می‌گوید: «بعد از منبر، من و چند نفر از اهالی مسجد خدمت ایشان رفتیم و گفتیم که آقا ما می‌خواهیم آدم بشویم. چه کنیم؟»

ایشان فرمودند: «من به شما سه دستور می‌دهم، عمل کنید، و اگر نتیجه دیدید، آن وقت بیایید تا برنامه را ادامه دهیم.»

سه دستور ایشان چنین بود:

١-    مقید باشید نماز را در اول وقتش اقامه کنید. هر کجا باشید و دیدید صدای اذان بلند شد، دست از کارتان بکشید و نماز را اقامه کنید و حتی المقدور هم سعی کنید به جماعت خوانده شود.

٢-    در کاسبی خودتان انصاف به خرج دهید، و واقعاً کمترین منفعتی را که می‌توانید، همان را در نظر بگیرید. در معاملات، چشم‌هایتان را ببندید و بین دوست و آشنا و غریبه و شهری و غیر شهری فرق نگذارید و برای همه آن‌ها همان اقل منفعت در نظرتان باشد.

٣-   از نظر حقوق الهی (خمس)، گرچه می‌توانید برای ادای آن تا سال صبر کنید و امام معصوم (علیه السلام) به شما مهلت داده‌اند، اما شما ماه به ماه حق و حقوق الهی را ادا کنید.

همین فرد می‌افزاید: من دستورات ایشان را که از ماه رجب شنیده بودم، اجرا کردم تا به ماه رمضان رسید. قبل از ماه رمضان در بازار پاچنار می‌آمدم، که صدای اذان بلند شد. خود را به مسجد نایب رساندم و پشت سر مرحوم حجت الاسلام سید عباس آیت الله زاده مشغول نماز شدم.

در نماز دیدم که ایشان گاهی تشریف دارند و گاهی ندارند. در قرائت نیستند ولی در سجده و رکوع هستند. پس از نماز به ایشان عرض کردم: شما در حال نماز کجا تشریف داشتید؟ نبودید.

ایشان متحیر شد. سپس با تعجب فرمود که معذرت می‌خواهم، من از مسجد و منزل ناراحت شدم، لذا در نماز، گاهی در ذهن و فکرم می‌رفتم دنبال آن اوقات تلخی و بعد از مدتی، متوجه می‌شدم و بر می‌گشتم.

این اولین مشاهده من بود که در اثر دستورات آیه الله شاه آبادی برایم حاصل شده بود. در اثر دو ماه و نیم التزامِ من به این سه دستور، دید ما باز شد و برنامه را هم چنان ادامه دادم.[[12]](#footnote-12)

آری هم فضای معنوی مسجد و هم همنشینی با صالحانی که در مساجد حضور دارند، انگیزه تغییر و تحول در انسان را فراهم می‌نماید.

**ج) رفع موانع اخلاقی**

یکی از موانع در تربیت اخلاقی دوست و همنشین است. مسجد در رفع این مانع با همنشینی متدینین نقش دارد. مسجد نقش مؤثری در پیوند دادن دلدادگان خود با انسان‌های صالح و برگزیده ایفا می‌کند. امروزه از نظر آگاهان مسائل تربیتی، نقش دوست خوب در سعادت انسان، نقشی ممتاز به شمار می‌آید. مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمن با نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش فضایل اخلاقی و تربیت روحی انسان فراهم می‌کند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاس[[13]](#footnote-13)‏؛ سعادتمندترین مردم کسی است که با مردمی بزرگوار معاشرت و آمیزش کند»

کسی که با خوبان پیوند خورد، حتی اگر به آن درجه از تکامل نرسد که به سبب ترس از خداوند به گناه دست نیازد، دست کم از سر حیا و شرم از برادران دینی خود، راه انحراف را در پیش نمی‌گیرد.

همچنین امیرالمؤمنین علی (ع) یکی دیگر موانع تربیت اخلاقی «دنیاپرستی و وابستگی به دنیا» و آن را مهمترین مانع تربیت اخلاقی قلمداد می‌كنند؛ زیرا دنیا و آخرت دشمن و دو راه مخالف‌اند.[[14]](#footnote-14)

ایشان به دنیا چنین خطاب می‌كنند: «يَا دُنْيَا فَحَبْلُكِ عَلَى غَارِبِكِ قَدِ انْسَلَلْتُ مِنْ مَخَالِبِكِ وَ أَفْلَتُّ مِنْ حَبَائِلِكِ وَ اجْتَنَبْتُ الذَّهَابَ فِي مَدَاحِضِكِ أَيْنَ الْقُرُونُ الَّذِينَ غَرَرْتِهِمْ بِمَدَاعِبِكِ أَيْنَ الْأُمَمُ الَّذِينَ فَتَنْتِهِمْ بِزَخَارِفِكِ فَهَا هُمْ رَهَائِنُ الْقُبُورِ وَ مَضَامِينُ اللُّحُودِ‏[[15]](#footnote-15)؛ اى دنيا از من دور شو، مهارت را بر پشت تو نهاده و از چنگال‏هاى تو رهايى يافتم و از دام‏هاى تو نجات يافته و از لغزشگاه‏هايت دورى گزيده‏ام. كجايند بزرگانى كه به بازيچه‏هاى خود فريبشان داده‏اى؟ كجايند امت‏هايى كه با زر و زيورت آن‌ها را فريفتى؟ كه اكنون در گورها گرفتارند.»

ضبايى از ياران امام علی (ع) به شام رفت بر معاويه وارد شد. معاويه از او خواست از حالات امام بگويد، گفت على (ع) را در حالى ديدم كه شب، پرده‏هاى خود را افكنده بود و او در محراب ايستاده، محاسن را به دست گرفته، چون مار گزيده به خود مى‏پيچيد و محزون مى‏گريست و مى‏گفت: «يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا إِلَيْكَ عَنِّي أَ بِي تَعَرَّضْتِ أَمْ لِي تَشَوَّقْتِ لَا حَانَ حِينُكَ هَيْهَاتَ غُرِّي غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فِيكِ قَدْ طَلَّقْتُكِ‏ ثَلَاثاً لَا رَجْعَةَ فِيهَا فَعَيْشُكِ قَصِيرٌ وَ خَطَرُكِ يَسِيرُ وَ أَمَلُكِ حَقِيرٌ آه مِنْ قِلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الْمَجَازِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوْرِد[[16]](#footnote-16)؛ اى دنيا! اى دنيا! از من دور شو، آيا براى من خودنمايى مى‏كنى؟ يا شيفته من شده‏اى تا روزى در دل من جاى گيرى؟ هرگز مبادا غير مرا بفريب، كه مرا در تو هيچ نيازى نيست، تو را سه طلاقه كرده‏ام تا بازگشتی نباشد، دوران زندگانى تو كوتاه، ارزش تو اندك و آرزوى تو پست است. آه از توشه اندك و درازى راه و دورى منزل و عظمت روز قيامت‏.»

مسجد در تبیین تصویر صحیحی از دنیا به ما کمک می‌کند و زشتی‌ها و زیبایی‌های آن و مقدمه و مزرعه بودنش نسبت به آخرت را به ما می‌شناساند تا در مسیر نهادینه‌سازی فضایل اخلاقی گام برداریم. همچنین در احکام مسجد می‌خوانیم صحبت دنیا در مسجد مکروه است.

1. . روش ابهام در موضوع. [↑](#footnote-ref-1)
2. . اقتباس از معجم البلدان، ج 2، ص 196 (واژه جیان) [↑](#footnote-ref-2)
3. . جن/18. [↑](#footnote-ref-3)
4. . امالي صدوق، ص 390. [↑](#footnote-ref-4)
5. . السیره النبویه، ابن هشام، ج 3، ص 111. [↑](#footnote-ref-5)
6. . کشف الغطاء، شیخ جعفر جناحی حلی، کتاب الصلاه، ص 211. [↑](#footnote-ref-6)
7. . بحار الانوار، ج 80، ص 377. [↑](#footnote-ref-7)
8. . اعراف/31. [↑](#footnote-ref-8)
9. . امالی مفید، ص 133. [↑](#footnote-ref-9)
10. . نیکی ملکی حجت الله، مدیر دفتر مطالعات و پژوهش امور مساجد. [↑](#footnote-ref-10)
11. . استعداذه شهید دستغیب (ره)، ص 143. [↑](#footnote-ref-11)
12. . آثار و برکات نماز اول وقت، ص ٧٠. [↑](#footnote-ref-12)
13. . من لا يحضره الفقيه، ج‏4، ص 395. [↑](#footnote-ref-13)
14. . نهج البلاغه، حکمت 103. [↑](#footnote-ref-14)
15. . نهج البلاغه، نامه 45. [↑](#footnote-ref-15)
16. . مشکات الانوار فی غررالاخبار، ص 268. [↑](#footnote-ref-16)